


نوع مقاله: ترویجی

اخلاق و معنویت در آیین فتوت

محمد فنائی اشکوری / استاد گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

Fanaei.ir@gmail.com

 orcid.org/0000-0001-7984-078X <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵

دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰

چکیده

آیین جوان‌مردی یا فتوت سنتی دیرپا در فرهنگ ایرانی و اسلامی است. هدف این مقاله که با روش توصیفی - تحلیلی به بعد اخلاقی و معنوی آیین جوان‌مردی می‌پردازد، برداشتن گامی در راه احیای سنت جوان‌مردی به‌منظور بسط و تعمیق اخلاق و معنویت است. برای این منظور برخی از منابع و متون متعلق به آیین فتوت استفاده و بررسی شده و به‌شیوه تحلیلی اصول و خطوط کلی اخلاق جوان‌مردی استخراج و تبیین شده است. پس از ذکر پیشینه جوان‌مردی، ارتباط آن با اسلام، اخلاق و معنویت اسلامی بیان شده است. آنگاه راه‌های بسط و گسترش جوان‌مردی در عرصه‌های فردی، اجتماعی و جهانی به اختصار ذکر شده است.

کلیدواژه‌ها: جوان‌مردی، فتوت، اخلاق، معنویت، شجاعت، ایثار، وفا.

مقدمه

اراده. به این معنا جوان‌مردی به جسم، جنس و سن وابسته نیست؛ زن، مرد، نوجوان، جوان، میان‌سال و پیر و کهن‌سال می‌توانند جوان‌مرد باشند. معادل عربی جوان‌مردی «فتوت» است که برگرفته از فتی به معنای جوان است.

مراد از جوان‌مردی، برخورداری از نوعی فضایل روحی و مکارم اخلاقی و معنوی، همچون حق‌مداری، عدالت، انصاف، عزت نفس، محبت، احسان، سخاوت، عفو و بخشش، وفا، عفت، کمک به ضعیفان و نیازمندان و یاری مظلومان و ایستادن در مقابل ستمگران است. جوان‌مرد دیگرگراست و گرفتار خودخواهی و خودمحوری و سودجویی شخصی نیست. چون جوان‌مرد خیرخواه است، در پی تغییر است و صفات لازم برای این امر را دارد؛ مانند شجاعت، قاطعیت، و عزم بر عمل.

۲. تاریخ و جغرافیای جوان‌مردی

خصالت‌های جوان‌مردی ریشه در فطرت انسان دارد و بر اثر عوامل و زمینه‌هایی که همه آنها برای ما روشن نیست، در برخی افراد ظهور و بروز بیشتری پیدا می‌کند. از جمله این عوامل، وراثت و تعلیم و تربیت به معنای عام آن است؛ که فرد از عوامل مختلف همچون خانواده، محیط، سنت، فرهنگ، آئین و افراد اثرگذار دریافت می‌کند.

از آنجاکه جوان‌مردی ریشه در سرشت انسان دارد؛ پدیده‌ای جهانی و تاریخی است و در فرهنگ‌ها و جوامع گوناگون و دوره‌های مختلف می‌توان آثار آن را دید. در سنت‌ها، فرهنگ‌ها، ادیان، مکتب‌های اخلاقی و معنوی گوناگون می‌توان آموزه‌های مربوط به جوان‌مردی و ترغیب به آن را یافت. ایران باستان یکی از سرچشمه‌های جوان‌مردی است؛ چنان‌که در منابع تاریخی و ادبیات اسطوره‌ای ایرانی این موضوع بسیار پررنگ است. در سنت‌های شرقی مانند آیین کنفوسیوسی، هندو و بودا نیز می‌توان ردپای جوان‌مردی را مشاهده کرد. در ریگ‌ودا از اخلاق رادمردی و جوان‌مردی سخن رفته است. در منظومه عرفانی به‌گود گیتا اصول اخلاقی و معنوی جوان‌مردی و رسم سلحشوری جوان‌مردانه مطرح شده است. در میان سامورائی‌های ژاپن برخی از اصول اخلاق و آداب جوان‌مردی حضور داشته است. ادیان الهی مانند یهودیت و مسیحیت آموزه‌هایی مرتبط با جوان‌مردی دارند و در تاریخ این ادیان افراد و جمعیت‌هایی بوده‌اند که خصایل جوان‌مردی داشته‌اند.

یکی از جریان‌های اثرگذار در تاریخ گذشته جهان اسلام، به‌ویژه ایران، آیین فتوت یا جوان‌مردی است. درباره این آیین می‌توان از ابعاد گوناگون فرهنگی، تاریخی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و معنوی سخن گفت؛ اما جوهر اصلی فتوت، اخلاق و معنویت با رویکرد انسان‌دوستانه و اجتماعی است. پیشینه جوان‌مردی به پیش از اسلام می‌رسد. با ظهور اسلام میان جوان‌مردی و اسلام پیوند برقرار می‌شود و جریان جوان‌مردی صبغه اسلامی پیدا می‌کند. عالمان علم فتوت با استناد به قرآن کریم، انبیا را منشأ فتوت می‌دانند. آنها حضرت ابراهیم^ع را ابوالفتیان و رسول خاتم^ع را سیدالفتیان می‌خوانند؛ چنان‌که از امیرمؤمنان علی^ع به‌عنوان قطب و مدار فتوت یاد می‌کنند. تأکید اخلاق جوان‌مردی بر فضایی همچون، صفا، وفا، سخا، راستی، گذشت، پاکی، دستگیری از ضعیفان و مقابله با ستمگران است. جوان‌مرد افزون بر بهره‌مندی از این فضایل، دارای ویژگی‌های روحی‌ای همچون عزت نفس، شرافت، شجاعت، رزم‌آوری و سلحشوری است. با پیوند فتوت با عرفان و تصوف، ارزش‌های اخلاقی انسان‌دوستانه و حماسی فتوت با احوال و مقامات معنوی و عرفانی، همچون عبودیت، اخلاص، معرفه الله، حب الهی، فنا و توحید درهم می‌آمیزد و کمال جوان‌مردی با کمال معنوی انسان و نیل به مقام توحید تعریف می‌شود. احیای آیین جوان‌مردی در عصر حاضر و معرفی آن به انسان امروز که از بحران‌های اخلاقی و معنوی و بیرانگری رنج می‌برد، می‌تواند زمینه‌ساز تعالی اخلاقی و معنوی و گسترش عدالت، انسان‌دوستی، صلح و هم‌یاری گردد و زمینه را برای نیل انسان به سلامت معنوی و سعادت جاودانی فراهم سازد.

۱. معنای جوان‌مردی

واژه «جوان‌مرد»، برگرفته از دو واژه «جوان» و «مرد» است. مرد در معنای لغوی، انسان مذکر است. جوان، در سنی است که از ناتوانی‌ها و بی‌تجربه‌گی‌های کودکی فراتر رفته و به فرسودگی و ضعف بزرگسالی نرسیده است. جوان در اوج بالندگی، سلامتی، نیرومندی، فعالیت و نشاط است. جوان‌مرد که ترکیب جوان و مرد است؛ انسان نیرومند، سالم، فعال و اثرگذار است. جوان‌مردی در کاربرد اصطلاحی آن واژه‌ای استعاره‌ای است، دال به شخصیت و منش انسان و حاکی از سلامتی و نشاط روحی و روانی، رشد اخلاقی و معنوی و قدرت

و قطب دایره جوان مردی شناخته می‌شود. میراث فتوت از رسول خدا و علی مرتضی به دیگر ائمه رسید و هریک در عصر خود پیشوای جوان مردان بودند. ظهور و بروز جمعی جوان مردی را بیش از هر جایی در حماسه سیدالشهدا^ع باید نظاره کرد. امام حسین^ع و اصحاب باوفایش جوان مردی را به اوج قلّه ممکن آن رساندند. منش و خلق جوان مردی از رسول خدا^ص و ائمه معصوم^ع به اصحاب و یاران آنها، مانند سلمان، ابوذر و مالک اشتر رسید و از آن طریق به نسل‌های بعدی مسلمانان منتقل شد.

پس از طلوع خورشید اسلام، جوان مردی ایرانی با فتوت اسلامی که ریشه در تعالیم اسلام و شخصیت و منش پیامبر^ص و امامان^ع داشت در آمیخت و وارد دوره‌ای جدید شد. رسم جوان مردی تحت هدایت تعالیم دین پیرایش و کمال یافت. با پیوند جوان مردی با دین اسلام دو تحول مهم در این آیین پیدا شد: نخست تدوین اصول جوان مردی؛ و دوم شکل‌گیری سازمان‌ها و تشکل‌های جوان مردی براساس اصول مدون و نظم تشکیلاتی. با گسترش اسلام در سایر مناطق نیز این آیین در هر منطقه متناسب با فرهنگ بومی آن منطقه شکل گرفت؛ از جهان عرب، آفریقا، آسیای صغیر و آسیای میانه، تا شبه‌قاره هند.

با شکل‌گیری جریان تصوف و عرفان رفته‌رفته آیین جوان مردی با تصوف و عرفان پیوند یافت. بخشی از آداب جوان مردی وارد تصوف و برخی از آموزه‌های عرفانی وارد آیین جوان مردی شد. افرادی از جوان مردی به تصوف درآمدند و افرادی از تصوف گام در وادی جوان مردی نهادند. به عبارت دیگر، کسانی جوان مردی را با تصوف ارتقا دادند و کسانی تصوف را با جوان مردی اعتلا بخشیدند. بنابراین، آیین جوان مردی پس از ظهور اسلام از نظر محتوا و درون‌مایه دو مرحله را طی کرد: نخست پیوند با اصل اسلام و سپس پیوند با عرفان اسلامی. از نظر صوری و شکلی نیز تحولات بسیاری در این آیین رخ داد. از جمله در قرن ششم هجری قمری خلیفه عباسی *الناصرالدین* *الله* به این آیین پیوست و در صدد برآمد که آن را تحت مدیریت خود سامان دهد و در زمان او بسیاری از آداب و رسوم جوان مردی تأسیس و تدوین شد. رویداد دیگر در آیین جوان مردی، شکل‌گیری فتوت اصنافی است. بسیاری از اصناف آداب جوان مردی را متناسب با صنف و حرفه خود طراحی کردند و فتوت‌نامه‌های صنفی بسیاری تدوین شد. بدین‌سان مرحله‌ای جدید از فرهنگ جوان مردی شکل گرفت.

گروه‌هایی از شوالیه‌ها در اروپا به پاره‌ای از ارزش‌های جوان مردی پایبند بوده‌اند. در میان اعراب پیش از اسلام نیز برخی از ارزش‌های جوان مردی، مانند سخاوت، مهمان‌نوازی و پای‌بندی به عهد و پیمان وجود داشته است.

جوان مردی در ایران پیشینه‌ای دیرینه دارد. بخشی از این سنت در حماسه‌های ایرانی، از جمله شاهنامه فردوسی حکایت شده است. رسم پهلوانی و آیین عیاری و رادمردی به شکل‌های مختلف و در میان طبقات گوناگون ایرانی همواره حضور داشته است. قهرمانانی همچون *کاوته*، *آهنگر* و *آرش کمان‌گیر* تا سیاهوش و رستم؛ و پادشاهانی مانند *فریدون* و *کیخسرو*، نمونه‌هایی از این جوان مردان هستند که با ستم و پلیدی و پلشتی مبارزه می‌کردند. حکمت، دادگری و شجاعت که از ارکان اصلی جوان مردی هستند در حکایت‌های منقول از این پادشاهان برجسته است. گرچه ارزش‌های جوان مردی جهانی است؛ اما برخی برآنند که تشکیلات و آیین جوان مردی به عنوان سازمانی اجتماعی بیش و پیش از هر جایی در ایران باستان شکل گرفته و از آنجا به نقاط دیگر راه یافته است. البته داوری قطعی در این باب دشوار است؛ اما بی‌شک ایران از خاستگاه‌های کهن آیین جوان مردی است و مناطق مختلف آن، خاصه سرزمین خراسان و شهرهایی همچون نیشابور و بلخ در برخی از ادوار از کانون‌های جوان مردی بوده‌اند.

۳. سنت اسلامی جوان مردی

جوان مردی و ارزش‌های آن در اسلام جایگاهی ویژه دارد. در چند موضع در قرآن کریم از فتوت سخن رفته و از رفتار جوان مردانه برخی انبیاء، مانند حضرت ابراهیم، موسی و یوسف^ع ستایش شده و از اصحاب کهف به‌عنوان جوان مردان (فتیه) یاد شده است. در آیین جوان مردی حضرت ابراهیم را ابوالفتیان لقب داده‌اند. افزون بر این، در قرآن کریم بر فضایل و ارزش‌های جوان مردی، همچون: عدالت، ستم‌ستیزی، کرامت، مهرورزی، جود، احسان، وفاء، پاکی و بخشش تأکید شده است. اصول فتوت و مروت در سخنان رسول اکرم^ص و امیرمؤمنان علی^ع و سایر ائمه نیز به تفصیل بیان شده است. جوان مردی بیش از اینکه در سخن پیامبر بروز کند، در سیره و رفتار او جلوه‌گر بود؛ به گونه‌ای که اهل فتوت آن حضرت را سیدالفتیان لقب داده‌اند. پس از رسول خدا^ص علی بن ابی‌طالب^ع به‌عنوان شاه مردان

یکی از نقش‌هایی که جوان‌مردان در مقاطع گوناگون تاریخ ایران ایفا کرده‌اند، مبارزه با ظلم و استبداد حاکمان و ایستادگی در برابر تجاوز و غارت‌گری مهاجمان و زورگویان بزرگ و کوچک بوده است. مبارزه عیاران و جوان‌مردان با حاکمان ستمگر اموی و عباسی و مجاهده با متجاوزانی همچون لشکر مغول، بخشی از تاریخ پرافتخار این جریان است.

۴. جوان‌مردی در معارف و ادبیات ایرانی - اسلامی

در جهان اسلام با محوریت ایران فتوت‌نامه‌های بسیاری نوشته شد و جوان‌مردی به صورت شاخه‌ای از معارف مطرح گردید. در برخی موارد فتوت به عنوان شاخه‌ای از علم تصوف و عرفان درآمد. آثار مختلف به نثر و نظم در این موضوع پدید آمد. رفته‌رفته مبنای و اصول اعتقادی، اخلاقی و معنوی جوان‌مردی تدوین شد؛ آداب و رسوم جوان‌مردی شکل گرفت و ادبیات غنی و گسترده‌ای در باب آیین جوان‌مردی و فتوت تولید شد و عناصر بسیاری از آموزه‌های جوان‌مردی در فرهنگ عمومی راه پیدا کرد.

اندیشمندان و نویسندگان مسلمان به ویژه عارفان به این بحث توجه جدی کردند و آثار بسیاری را در این زمینه با عنوان فتوت‌نامه و عناوین مشابه آن پدید آوردند، مانند *عبدالرحمن سلمی، ابن‌معمار، ابوحفص سهروردی، عبدالرزاق کاشانی و کاشفی سبزواری*. بسیاری از عارفان و صوفیان در آثارشان فصلی را به فتوت اختصاص دادند، مانند *ابوالقاسم قشیری در رساله قشیری، علی بن عثمان هجویری در کشف‌المحجوب، عطار در تذکرة الأولیاء، خواجه عبدالله انصاری در منازل‌السنائین، و محیی‌الدین ابن‌عربی در الفتوحات‌المکیة*. *شهاب‌الدین ابوحفص عمر سهروردی* دو اثر در این باب دارد: *فتوت‌نامه و کتاب الفتوة* که هر دو به فارسی است. *عبدالرزاق کاشانی* نیز رساله‌ای به عربی با عنوان *تحفة الإخوان فی خصائص الفقیان* و ترجمه فارسی آن با همین عنوان دارد. وجود این آثار نشانگر اهمیت این موضوع در گذشته فرهنگ ماست. در بسیاری از آثار اثرگذار غیرعرفانی مانند *قابوس‌نامه قابوس بن وشمگیر* نیز این بحث به طور جدی طرح شده است. شاید جامع‌ترین اثر درباره اصول و آداب فتوت کتاب *فتوت‌نامه سلطانی* اثر *ملاحسین کاشفی سبزواری* است. از میان آثار معاصر در این زمینه می‌توان از کتاب *آیین جوان‌مردی* نوشته *هانری کربن* یاد کرد.

جان‌مایه بسیاری از داستان‌ها و حکایت‌ها در ادبیات فارسی آموزه‌های جوان‌مردی است، از *سمک عیار و جوامع‌الحکایات عوفی* تا آثار عامیانه‌ای همچون *حسین‌کرد تسبستری و حمزه‌نامه و مختارنامه*. در شعر فارسی جوان‌مردی ظهور و نمودی چشمگیر دارد. شاعران پارسی‌گوی مانند *فردوسی، سنائی، عطار، مولوی و سعدی* هریک به شکلی در باب جوان‌مردی و مباحث مرتبط با آن سخن گفته‌اند. *شاهنامه فردوسی* را می‌توان نوعی «فتوت‌نامه» به‌شمار آورد. از ابیات معروف *فردوسی* در این باب این است:

جوان‌مردی و راستی پیشه‌کن همه نیکویی اندر اندیشه‌کن
در باره جوان‌مردی رستم که شجاعت و خردمندی را با هم داشت می‌سراید:

شگفتی به گیتی ز رستم بس است کزو داستان بر دل هرکس است
سر مایه مردی و جنگ از اوست خردمندی و دانش و سنگ از اوست
به خشکی چو پیل و به دریا نهنگ خردمند و بینادل و مرد سنگ

پهلوان حماسی *فردوسی* طالب ظفر و پیروزی است؛ اما همراه با دانش و داد:

همه ساله پیروزه باشی و شاد دلت پر ز دانش سرت پر ز داد
پس از *فردوسی* شاید بیش از هر شاعر دیگری *سعدی* در زمینه جوان‌مردی به نثر و نظم داد سخن داده است.

ره نیک‌مردان آزاده گیر چه استاد‌های دست افتاده گیر
بخشای کاتبان که مرد حقند خریدار دکان بی رونقند
جوان مرد اگر راست خواهی ولیست کرم پیشه شاه مردان علیست
(سعدی، ۱۳۸۸، باب دوم، بخش ۷).

۵. نسبت جوان‌مردی با اخلاق

جوان‌مردی در اصل برخورداری از برخی فضایل روحی است که از کیفیات و احوال درونی انسان هستند؛ مانند: شرافت، کرامت، عزت نفس، خیرخواهی، دگردوستی، همراه با شجاعت و قدرت اراده و عزم بر عمل. شاید با تأمل بتوان ریشه این فضایل را در یک فضیلت بنیادی مانند کرامت نفس یافت، که گوهر جوان‌مردی برخورداری از آن فضیلت است و سایر صفات از فروع و شاخه‌ها و ثمرات آن است. ضرورت شجاعت و قوت اراده و عزم بر عمل در جوان‌مردی برای آن است که فضایل و آرمان‌های اخلاقی در خارج فعلیت یابند و به ثمر بنشینند. تحقق یافتن

صفات و احوالی مانند شجاعت و رزم‌آوری در هر حال و به‌طور مطلق فضیلت و ارزش مثبت نیستند؛ بلکه بسته به آن است که از چه انگیزه‌ای ناشی شده باشند و در خدمت چه هدفی باشند. جوان مرد کسی است که به سائقه خیرخواهی این توانایی‌ها را در خدمت اخلاق و معنویت و دگردوستی به‌کار می‌گیرد. اما صفتی همچون خیرخواهی به‌طور مطلق و در همه جا فضیلت است؛ چون حسن آن ذاتی است و اثری جز خیر ندارد.

جوان مردی حالتی درونی است که نمود بیرونی پیدا می‌کند. از این رو رفتار بیرونی هر چند جوان مردانه به‌نظر برسد همیشه و لزوماً نشانه جوان مردی نیست؛ چراکه ممکن است شخصی که چنین رفتار می‌کند انگیزه‌ها و اهداف نفسانی داشته باشد؛ همچون کسی که کار خیری می‌کند، اما انگیزه‌اش شهرت‌طلبی است؛ به‌طوری‌که اگر آن غرض نفسانی تأمین نشود، در پی آن کار خیر نمی‌رود. هستند کسانی که برای کسب شهرت و محبوبیت و رسیدن به مقاصد دنیوی انفاق می‌کنند؛ اما در خلوت و به‌طور ناشناخته حاضر به انفاق نیستند. این گونه کارهای به‌ظاهر خیر همراه با ریاکاری، نه‌تنها نشان جوان مردی شخص نیست؛ بلکه ریاکاری در تضاد با جوان مردی است. جوان مرد یک‌رو و یک‌رنگ است و از نفاق و دورویی به‌دور است. ظاهر و باطنش هماهنگ است. به بیان /ابوسعید خدری: «هر باطن که ظاهر وی به‌خلاف او بود، باطل بود» (عطار نیشابوری، ۱۳۲۲ق، ج ۲، ص ۴۴). برای این است که شرط جوان مردی رهایی از ریا و دورویی و کبر و عجب است. و برای همین است که جوان مرد نه اهل تملق و چاپلوسی است و نه اهل غیبت و بدگویی. تملق و غیبت، نتیجه نفاق و دورویی یک سکه‌اند. اهل نفاق در حضور تملق می‌گویند و در غیاب، غیبت و بدگویی.

جوان مرد در عمل غم‌خوار و خدمت‌گذار خلق است؛ نه فقط در سخن و شعار. بسیارند کسانی که شعار جوان مردی و غم‌خواری و ایثار می‌دهند؛ اما در زندگی عملی آنها اثری از این صفات به چشم نمی‌خورد؛ بلکه از همین شعار کسب اعتبار می‌کنند و از آن به‌عنوان ابزاری برای تحصیل نان و نام استفاده می‌کنند.

از آنجاکه جوان مردی مستلزم قدرت‌مندی و مهارت برای رسیدن به اهداف مقدس است، با شجاعت و قدرت و مهارت در جنگاوری و پهلوانی ارتباط می‌یابد؛ و چون مستلزم خدمت و ایثار و گذشت و حتی جهاد و شهادت است با دین و معنویت و در اوجش با عرفان

خارجی این صفات مستلزم جود و بخشندگی، عفو و بخشش، دست‌گیری و یاری‌رسانی، کاردانی و توان‌مندی، و سلحشوری و رزم‌آوری برای سامان دادن به امور و حل مشکلات مردم به‌ویژه کمک به مظلوم و مقابله با ستمگر است. پیوند جوان مردی با اخلاق و دگردوستی رکن مقوم و ذاتی جوان مردی است. بهتر آن است که بگوییم جوان مردی نوعی اخلاق و منش است، نه چیزی که با اخلاق پیوند دارد. فتوت برتر از اخلاق نیست؛ فتوت، اخلاق برتر است؛ چنان‌که عرفان برتر از دینداری نیست؛ بل دینداری برتر است.

جوان مردی حاوی عنصر خیرخواهی برای دیگران است، بعد اجتماعی می‌یابد. هنگامی که جمعی با چنین روحیه و اهداف اجتماعی در جایی باشند، طبعاً برای رسیدن به این اهداف با یکدیگر همکاری می‌کنند و بدین‌سان جوان مردی ظهور گروهی و نمود اجتماعی پیدا می‌کند و سازمان جوان مردی شکل می‌گیرد.

چون آیین جوان مردی در پی ساخت جامعه مطلوب است و به خودسازی درونی و فردی بسنده نمی‌کند؛ جوان مرد باید ویژگی‌هایی داشته باشد که بتواند در راه ساختن چنین جامعه‌ای بکوشد. از این رو انسان مطلوب در آیین جوان مردی کسی است که دارای سلامت جسمی، فکری، اخلاقی و معنوی و برخوردار از شجاعت، علم و آگاهی و توانایی‌ها و مهارت‌های عملی، از جمله رزم‌آوری است.

شایان ذکر است که شجاعت و قوت اراده و عزم بر عمل و سلحشوری صفات اختصاصی جوان مردی نیست. ممکن است افراد خودکامه و ناجوان مردی هم از برخی از این صفات برخوردار باشند. پس هر جوان مردی این صفات را دارد؛ اما هر کس که این صفات و توانایی‌ها را دارد لزوماً جوان مرد نیست. این صفات واسطه بین احوال و صفات درونی و اهداف بیرونی و خارجی هستند. هر کسی که اهداف بزرگی دارد و در پی تغییرات اساسی در بیرون است، به شجاعت و قدرت و اقتدار نیازمند است؛ چه آن اهداف مقدس و در جهت خیر عامه باشد و چه نباشد. بنابراین شجاعت و سلحشوری به‌تنهایی ممیز جوان مردی از غیر جوان مردی نیست و هر جنگاور و شوالیه‌ای جوان مرد نیست. لشکریان مغول هم شجاع و سلحشور بودند؛ اما بویی از جوان مردی نبرده بودند. فردوسی می‌گوید ضحاک ناپاک هم دلیر بود.

پسر بد مر این پاکدل را یکی کش از مهر بهره نبود اندکی
جهانجوی را نام ضحاک بود دلیر و سبکسار و ناپاک بود

بیگانه است و در تعالیم پیش‌روان آیین جوان‌مردی جایی ندارد. زنان نیز مانند مردان می‌توانند از قوت بهره‌مند باشند؛ چنان‌که زنان بسیاری در تاریخ اسلام و ایران به این عنوان معروف هستند.

جوان‌مردی مانند هر فضیلتی مراتب دارد. بسیاری کسان که فقط برخی از صفات جوان‌مردی را دارند. بعضی شجاع‌اند؛ اما ممکن است بخشنده نباشند؛ و بالعکس، برخی باوفا هستند؛ اما ممکن است فروتن نباشند. برخورداری از هر فضیلتی نیز دارای درجات است. به مثل همهٔ بخشنده‌گان به یک درجه بخشنده نیستند. البته هر فردی به هر میزان که از این فضایل برخوردار باشد، به همان میزان از جوان‌مردی بهره‌ای دارد. اما مطلوب آن است که انسان از همهٔ اوصاف جوان‌مردی بهره‌مند باشد. تمام و کمال جوان‌مردی را در انبیاء و اولیای معصوم باید جست‌وجو کرد. پهلوانان، مجاهدان، نیکوکاران و عارفان، هریک ممکن است در عرصه و حوزه‌ای برخوردار از خصال جوان‌مردی باشند؛ اما جوان‌مردی انسان‌های کامل، مانند رسول خدا ﷺ و علی مرتضیٰ ﷺ جامع و خالص و کامل است و همهٔ آنها را دربردارد.

تخلیق به اصول اخلاقی پیش‌شرط جوان‌مردی است. جوان‌مردی تنها التزام به تکالیف الزامی نیست. این مقدار از التزام به اخلاق از هر مکلفی انتظار می‌رود. جوان‌مردی فراتر رفتن از وظیفه و الزام است. قوت وادی ایثار و گذشت و صرف‌نظر کردن از حق خود است؛ نرنجاندن و نرنجیدن و انصاف دادن و انصاف نطلبیدن است. به تعبیر بوئسجی، برخلاف جوان‌مردان «جهال انصاف می‌خواهند و انصاف نمی‌دهند (الشیبی، ۱۹۸۲، ص ۵۰۹). التزام به تکالیف الزامی شرط لازم برای جوان‌مردی است؛ اما شرط کافی نیست. کار جوان‌مردانه کاری است که ترک آن مؤاخذه ندارد. کسی از پهلوانی همچون پوریای ولی انتظار ندارد که در میدان کشتی عمداً شکست را بپذیرد و حریف را پیروز نشان دهد. چنین کاری فوق‌اخلاق متعارف است. جوان‌مردی اینجاست. اگر او رقیب را زمین می‌زد هم، ناجوان‌مردی نکرده بود و مذمت نمی‌شد؛ بلکه حتی مدح و تشویق می‌شد. اما جوان‌مردی حکایتی دیگر است.

گرچه التزام به تکالیف الزامی اخلاقی برای جوان‌مردی کافی نیست؛ اما نقض تکالیف الزامی، ناجوان‌مردی است. باید توجه داشت که مردم به جوان‌مرد و ناجوان‌مرد تقسیم نمی‌شوند، بلکه بین جوان‌مردی و ناجوان‌مردی برزخ و واسطه هم هست. مردم به جوان‌مرد، غیر جوان‌مرد

پیوند می‌یابد و به‌مثابه عرفان عملی اجتماعی طرح می‌شود. هر مبارزه‌ای جهاد مقدس و هر کشته‌شدنی شهادت نیست. جهاد مبارزه در راه حق، و شهادت کشته‌شدن در جریان مبارزه در راه حق است. جهاد و شهادت محصول و متضمن فضایی همچون حق‌طلبی، عشق به خدا، محبت به خلق، ایمان، تقوا، شجاعت، فداکاری، ایثار، جود و بخشش است.

جوان‌مردی منش و خصلت درونی است و به صرف انجام چند عمل مشابه با عمل جوان‌مردان، شخص جوان‌مرد نمی‌شود؛ چنان‌که با هر بخششی شخص جواد و سخی نمی‌شود. بخیل هم ممکن است گاهی با جان‌کندن مالی را به کسی بخشد؛ اما با چنین کاری از بخل رها نمی‌شود؛ چنان‌که سعدی گوید: «زر از معدن به کان کندن به در آید و از دست بخیل به جان کندن» (سعدی، ۱۳۸۲، باب هشتم در آداب صحبت). جوان‌مردی برخوردار از ملکه اخلاق کریمانه است. اصل این منش در سرشت هر انسانی هست؛ لیکن مانند بسیاری از استعدادها و توانایی‌های انسانی، در افراد مختلف شدت و ضعف دارد. با تفکر، توجه، ممارست و مداوت بر اعمال جوان‌مردانه و حشر با جوان‌مردان راستین می‌توان منش جوان‌مردی را تقویت کرده و رشد داد.

افراد ریاکار، خودخواه، جاه‌طلب، متکبر، متعصب و لجوج، خشمگین و خشن، تنگ‌نظر، نمّام و غیبت‌کننده، بدبین، اهل تکفیر و تفسیق که خود را معیار مطلق حق و باطل می‌دانند، هرگز نمی‌توانند جوان‌مرد باشند. بسیاری کسان که غرق در این ردایلند، اما زشتی خود را نمی‌بینند. چنین کسانی حتی اگر در ظاهر در صف حق و در جمع مؤمنان باشند، از جوان‌مردی به‌دورند.

چنان‌که اشاره شد، جوان‌مردی برخوردار از فضایل اخلاقی و معنوی است. بنابراین قوامش به قدرت، ثروت، جنسیت، سن، طبقهٔ اجتماعی، نژاد، تشکیلات و سازمان، و آداب و رسوم نیست. در برخی از دوره‌ها و در بعضی از فتوت‌نامه‌ها، مانند *کتاب الفتوة* / *ابن‌معمار آداب رسومی* برای وارد شدن در جمع جوان‌مردان ذکر کرده‌اند، که بسیاری از آنها مقررات وضعی و من‌درآوردی است؛ که ربطی به جوهر فتوت ندارد. برخی شرط فتوت را ذکوریت (مذکر بودن) ذکر کرده‌اند و زنان را از جمع فتوت خارج دانسته‌اند؛ اما این تفکر جاهلی و متعصبانه که در بعضی از دوره‌ها و بعضی مناطق با تأثر از سنن باطل قبایلی، وارد برخی تشکلهای فتوت شده است، با فتوت اصیل

فضیلتی است که در وجود شخص ریشه دارد و ارتباط فرد با خدا و خلق دو ضلع دیگر آن را تشکیل می‌دهند. مراد از خلق هم، ماسوی‌الله است؛ اعم از انسان و حیوان و طبیعت و جوان مرد با هر موجودی آن گونه که شایسته است رفتار می‌کند و البته خدمت به انسان در این میان جایگاه خاصی دارد. وقتی جوان مردی به کمال برسد میان این اضلاع در عالم عین و خارج جدایی نخواهد بود. به عبارت دیگر، جوان مرد برخوردار از فضایل درونی است، بنده صالح خدا و خدمتگذار صدیق خلق است.

در جوان مردی نیز همچون عرفان گام اول در سلوک، بیداری و آگاهی و گام دوم توبه است. توبه وظیفه همه انسان‌هاست؛ اما توبه جوان مرد، جوان مردانه و بدون بازگشت به گناه است؛ نه توبه کسانی که صائب درباره آنان می‌گوید:

سبحه برکف توبه بر لب دل پر از شوق گناه معصیت را خنده می‌آید ز استغفار ما

جوان مرد بر توبه خود استوار است و بر عهد خود پایدار. صبر و استقامتش به درجه‌ای است که به گذشته بر نمی‌گردد. کاشانی درباره توبه جوان مرد می‌نویسد: «و صاحب فتوت کسی تواند بود که چون نیت رجوع از چیزی جزم کرد و روی دل را از آن بگردانید، هرگز با آن معاودت نماید و خاطر امکان عود او را در دل نگذرد، چه از ضرورت و لوازم فتوت عزمه الرجال و قوت مصابرت بر امور و ثبات است و هیچ مقام از فتوت، بل هیچ قدم بی آن ممکن نگردد و درست نیاید» (کاشانی، ۱۳۸۰، ص ۴۸۲).

عارفان بر بعد اخلاقی و اجتماعی فتوت، بعد معنوی و عرفانی را افزودند و تأکید کردند که اصل جوان مردی و اوج آن، رفتار جوان مردانه با خداوند است. اگر جوان مرد اهل وفاست، بزرگ‌ترین عهده‌ی که باید به آن وفادار باشد عهد الستش با خداست: «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (یس: ۶۰). اگر جوان مردی ترک خودخواهی و خودبینی است؛ اوج آن رسیدن به مقام بندگی و فنای فی‌الله است.

جوان مرد بدون انگیزه سودجویانه به خلق خدمت می‌کند و بدون توقع پاداش، خدا را بندگی می‌کند. عبادت احرار همان عبادت جوان مردان است. جوان مرد پاک‌باز است و بی‌علت و بی‌منت می‌بخشد. او خدا را سرمشق خود قرار می‌دهد که بی‌علت و انگیزه سود و زبانی می‌آفریند و روزی می‌دهد.

و ناجوان مرد تقسیم می‌شوند. اکثر مردم عادی که تکالیف الزامی خود را انجام می‌دهند و مرتکب رفتارهای ضداخلاقی کبیره نمی‌شوند، نه جوان مرد هستند و نه ناجوان مرد؛ چنان که در اخلاق می‌توان رفتارها را به اخلاقی، نااخلاقی و ضداخلاقی تقسیم کرد.

در آیین جوان مردی رعایت برخی ارزش‌ها بسیار اهمیت دارد. یکی از این ارزش‌ها رعایت حق دوستی است. بسیاری از آموزه‌های جوان مردی درباره رعایت حق دوستی است. محبت بدون غرض، کمک و ایثار، مهمان‌نوازی، رازداری و ستر عیوب، دفاع از دوست در برابر غیبت‌کنندگان و بدگویان، حفاظت از مال و عیال دوست و در نهایت در برخورداری‌ها دوست را بر خود مقدم داشتن و در تحمل سختی‌ها و محرومیت‌ها خود را بر دوست مقدم داشتن، برخی از این وظایف است. جنید تا آنجا می‌رود که می‌گوید: «هرگاه که برادران و یاران حاضر شوند نافله بيفتد» (عطار نیشابوری، ۱۳۲۲ق، ج ۲، ص ۲۵). البته در آیین فتوت، جوان مرد نسبت به همه انسان‌ها چنین وظایف و تکالیفی دارد؛ اما نسبت به دوستان و حق‌داران این امر از اهمیت بیشتری برخوردار است.

جوان مرد اهل گذشت از داشته‌ها و دوست‌داشتنی‌هایش است و شعارش این است که: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» (آل عمران: ۹۲)؛ جز با گذشت‌های بزرگ کسی به جوان مردی نمی‌رسد؛ گذشت از مال و اموال، جاه و مقام، نام و نان، آبرو و جان. نوع گذشت بستگی به وضعیت بیرونی و موقعیت فرد دارد و نسبت به افراد و شرایط مختلف متفاوت است. گاهی شرایط اقتضای انفاق مال دارد؛ گاه ایثار جان؛ گاه بذل آبرو و نام؛ گاه چند تا از اینها و گاه همه اینها.

۶. جوان مردی و معنویت و عرفان

جوان مردی ارزشی انسانی و جهانی است و محدود به ملت، فرهنگ، دین و مذهب خاصی نیست. جوان مردی حتی اگر در ذیل دین نباشد ممدوح است؛ مانند جود حاتم طائی. جوان مردی در دین بعد الهی پیدا می‌کند و در عرفان بعد الهی آن تعمیق می‌یابد.

جوان مردی با پیوندش با دینداری راستین یک مرحله تعالی پیدا می‌کند و با رسیدنش به عرفان که مرتبه برتر و عمیق‌تر دینداری است، به اوج تعالی و کمالش می‌رسد. اوج جوان مردی کمال یافتن نفس فرد و به تبع آن برقراری بهترین و برترین مناسبات بین فرد و خدا و خلق است. بنابراین جوان مردی سه ضلع دارد: اصل آن

بودن، مهر بر کین، گذشت بر انتقام، دلیری بر ترس، و عزت بر ذلت است. این عناصر در اخلاق، دین و عرفان راستین هست؛ اما بسیاری آنها را نمی‌بینند و در نظر یا عمل اهتمام لازم به آن را ندارند. جوان مردی اعتقاد به این اصول در نظر، دل‌بستگی به آنها در احساس و پابندی در عمل است.

تصوف در برهه‌ای از تاریخ در جوان مردی نفوذ یافت و جمعی از جوان‌مردان را تحت تأثیر قرار داد و از عناصر مقوم فرهنگ جوان مردی گردید. البته هر جوان مردی صوفی و عارف نیست؛ چنان‌که هر صوفی و عارفی نیز جوان مرد نیست. صوفیان بسیاری به جوان مردی نپیوستند و عزلت را اختیار کردند؛ یا اگر از فتوت سخن گفتند آن را از بعد اجتماعی و خلقی آن دور کردند و به احوال و اعمال باطنی تحویل بردند.

«جوان مرد آن بود که بت بشکند. بت هر کس نفس اوست. هر که هوای خویش را مخالفت کند؛ او جوان مرد به حقیقت بود» (قشیری، ۱۳۹۱، ص ۳۵۵). این سخن حقی است و اوج جوان مردی همین است؛ اما این معنای بلند با مفاهیم متنوع دیگر در حکمت و عرفان بیان شده است و نباید ما را از مفهوم اخلاقی و اجتماعی و عرفی جوان مردی دور کند. این مفاهیم معنوی همیشه در عرفان بوده؛ اما آیین جوان مردی بحث دیگری است و پیام دیگری دارد که بسیاری از عارفان و صوفیان به جهت استغراق در مجاهده با نفس و درون‌نگری از آن فاصله گرفته‌اند. آیین جوان مردی بر آن است که توجه عارفان را بدون اینکه از عرش عرفان فرود آیند به فرش عالم خلق جلب کند و غم‌خواری آدمیان و یاری ضعیفان را فریادشان آرد. شایان ذکر است که آنچه شریعت و فتوت درباره‌ی وظایف اجتماعی انسان می‌گویند غیر از بحثی است که در سفر سوم عرفانی (سفر از حق به خلق با حق) مطرح است و روزی اوحدی از عرفا و اولیاءالله می‌شود و رسالت و وظیفه‌ی خاصی را برای آنها ایجاب می‌کند. چه کسی به سفر سوم عرفانی می‌رسد؟! دگردوستی و خدمت به خلق برای همه افراد در همه سطوح مطرح است و به دوره و مقام خاصی مربوط نمی‌شود و تعطیل‌بردار نیست.

کمال جوان مردی به عرفان و کمال عرفان به جوان مردی است و این دو آیین، مکمل یکدیگر هستند. به عبارت دیگر، جوان مردی راستین مستلزم عرفان و عرفان راستین متضمن جوان مردی است. اما در واقع خارجی و بیرونی این کمالات همیشه باهم نیستند و جز در انسان‌های

پاک می‌بازد نباشد مزدجو
می‌دهد حق هستیش بی‌علتی
که فتوت دادن بی‌علتست
زانک ملت فضل جوید یا خلاص
نی خدا را امتحانی می‌کنند
نی در سود و زبانی می‌زنند
(مولوی، ۱۳۷۶، دفتر ششم، بخش ۶۸).

جوان مردی تخلق به اخلاق الهی است. آن کس که بی‌استحقاق و بی‌منت عطا می‌کند، خطا می‌بخشد، یاری می‌رساند و تقاضای گفته و ناگفته ما را اجابت می‌کند، خدا است؛ چنان‌که در دعای روزهای ماه رجب می‌خوانیم: «یا مَنْ یُعْطِی مَنْ سَأَلَهُ، یا مَنْ یُعْطِی مَنْ لَمْ یَسْئَلْهُ وَ مَنْ لَمْ یَعْرِفْهُ تَخَنَّنْ مِنْهُ وَ رَحْمَةً»؛ ای کسی که از روی مهر و رحمت کسی را که از تو درخواست کرده می‌بخشی و به کسی که درخواست نکرده و حتی تو را نمی‌شناسد نیز عطا می‌کنی. جوان مرد کسی است که نیاز نیازمند را تأمین کند، قبل از آنکه او اظهار نیاز نماید و ذلت طلب را تحمل کند. خداوند نعمت وجود را هنگامی به ما داد که نبودیم و تقاضایی نداشتیم و او تقاضای ناگفته ما را شنید و پاسخ داد.

ما نبودیم و تقاضامان نبود
لطف او ناگفته ما می‌شنود
کریم خطاپوشی که به‌آسانی می‌بخشد و کسی حق ندارد از درگاهش ناامید باشد.
تو مگو ما را به آن شه بار نیست
با کریمان کارها دشوار نیست

فتوت الهی بخشش بی‌منت و استحقاق است و فتوت عارف پرستش و خدمت بی‌توقع مزد و خوف عقاب و خواستن خداست؛ نه خواستن از خدا؛ چنان‌که جنید گفت: «زَلَّتْ عَارْفٌ مِیلَ اسْتِ از کریم به کرامت» (عطار نیشابوری، ۱۳۲۲ق، ج ۲، ص ۳۵).

خلاف طریقت بود کاولیا
تمنا کنند از خدا جز خدا
گر از دوست چشمت به احسان اوست
تو در بند خویشی نه در بند دوست
(سعدی، ۱۳۸۸، باب ۳ در عشق و مستی و شور، ص ۲۷۴).

آنچه فتوت بر فهم رایج از اخلاق، دین و عرفان می‌افزاید، دگردوستی، خیررسانی، گذشت و گذر از خودمحوری است؛ ترجیح حق‌مداری بر خودمداری، خادم بودن بر مخدوم بودن، اعطا بر اخذ، ایستادن بر تسلیم شدن، حرکت بر سکون، شاد کردن بر بی‌تفاوت

شخصیتی به هم نزدیک هستند. گاهی در عمل و عینیت خارجی این گروه‌ها با هم تلاقی و تعامل داشته و با هم یگانه شده‌اند؛ به طوری که ممکن است شخص یا گروه واحدی صوفی، ملامتی، عیار، قلندر و پهلوان باشد و این معانی در او مصداق یافته باشند. جوان مرد آرمانی کسی است که کمالات و فضایل همه این گروه‌ها را در خود جمع کرده باشد. جوان مرد صاحب فضایل اخلاقی و معنوی است. نفس شریف، کریم و عزیز دارد. از این رو حق جو، صادق، مهربان، فروتن، خیرخواه، بخشنده، باوفا، عدالت‌خواه، منصف، وظیفه‌شناس، شجاع و ایثارگر است.

دل‌بستگی به ارزش‌های حقیقی و متعالی عامل و مقتضی جوان مردی است. میل فطری به کمال و نیکی‌ها و نیکویی‌ها فرد را به سمت کسب ارزش‌های جوان مردی می‌کشاند؛ چنان‌که وابستگی به خواسته‌های نفسانی مانع جوان مردی و زمینه ظهور ناجوان مردی است. بزرگ‌ترین مانع فضیلت‌مندی و جوان مردی تعلقات نفسانی است. دل‌بستگی به مال، شهرت، منصب، موقعیت، و لذایذ نفسانی مانع جوان مردی است. بنابراین ترک تعلقات نفسانی مهم‌ترین گام در راه جوان مردی است.

بزرگ‌ترین تعلق حب نفس و حب حیات است که منشأ ترس از مرگ است و دشوارترین کار نهراسیدن از مرگ و از جان گذشتن است. مهم‌ترین عامل در ذلت‌پذیری، تأیید ستمگران، سکوت در برابر ستم، فرار از جبهه حق و پیوستن به لشکر ظلم، در بسیاری از موارد ناشی از مرگ‌هراسی است. مرگ‌هراسی مهم‌ترین مانع عزت و جوان مردی است. بنابراین یکی از عناصر و شرایط جوان مردی مرگ‌ناهراسی است. جوان مرد چون از ترس و طمع رهیده است، با ستم و ستمگر می‌جنگد و از بیان حق بیمی ندارد؛ چنان‌که سعدی می‌گوید: «نصیحت پادشاهان کردن کسی را مسلم بود که بیم سر ندارد و یا امید زر» (سعدی، ۱۳۸۲، باب هشتم: در آداب صحبت). جوان مرد کسی است که در راه حق از ایثار جان دریغ نمی‌کند. هر قدر چیزی محبوب‌تر باشد و دل‌بستگی انسان به آن بیشتر، گذشتن از آن دشوارتر است. از این رو گذشتن از جان دشوارترین کار است. برای همین است که شهادت در راه خدا فضیلتی است که فوق آن فضیلتی نیست؛ و به این دلیل است که سید شهیدان عالم امام حسین علیه السلام که جان خود و عزیزانش را در راه حق ایثار کرد، محبوب دل‌های آزادگان جهان است.

کامل در کمتر افرادی همه کمالات به‌نحو متعادل جمع می‌شود. جوان مردی در عرفان دو بعد آفاقی و انفسی دارد. بعد انفسی آن برخوردار از فضایل درونی است و بعد آفاقی آن نوعی عرفان عملی اجتماعی است. از این رو برخی صفات جوان مرد مربوط به درون او و برخی ناظر به بیرون و ارتباطش با خلق است. البته رفتار جوان مرد در قبال خلق، ثمره فضایل درونی اوست. مؤمن راستین جوان مرد است و صفات مؤمن همان صفات جوان مردی است. امام صادق علیه السلام فرمودند: شایسته است که در مؤمن هشت خصلت باشد: در موقع گرفتاری‌ها، خودنگهدار؛ در موقع رسیدن بلا، شکیبیا؛ در خوشی‌ها، شکرگزار؛ به آنچه خداوند او را روزی داده، قانع باشد؛ به دشمنانش ستم نکند و به خاطر دوستانش به مردم جفا نکند؛ خویش را به زحمت اندازد و خلق از او در آسایش باشند (صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۰۶).

جوان مرد عارف دل‌بسته خداست و از چشم خدا به خلق می‌نگرد و خلق را عیال خدا می‌بیند و بر آن شفقت دارد. از این رو چنان‌که *ابوالعباس قصاب* گفت: «جوان مردان راحت خلقند، نه وحشت خلق؛ که ایشان را صحبت با خدای بود از خلق، و از خدای به خلق نگرند» (عطار نیشابوری، ۱۳۲۲ق، ص ۱۸۵). شفقت عارف جوان مرد به خلق پرتوی از عشق او به حق است؛ چراکه خلق را تجلی اسما و صفات حق می‌بیند.

خلق را چون آب دان صاف و زلال	اندر آن تابان صفات ذوالجلال
پادشاهان مظهر شاهی حق	عارفان مرآت آگاهی حق
خوب‌رویان آینه خوبی او	عشق ایشان عکس مطلوبی او

هنگامی که جوان مردی وارد عرفان می‌شود و یا عرفان به جوان مردی می‌رسد، در عرفان نیز تحول پیدا می‌شود. عرفان جوان مردی عرفان فقر و زبونی و ترس و ذلت و خواری و جبرگرایی و عزلت و بی‌تحریکی نیست. عرفان جوان مردی عرفان عزت، قدرت، دلیری، ظفرمندی، ابتهاج، عمل‌گرایی، جامعه‌گرایی، حماسه‌گرایی، عدالت‌طلبی، عقلانیت و تمدن‌سازی است و با عزلت و ذلت و تکدی‌درویشی ناسازگار است.

جوان مردی با مفاهیم دیگر و جوان مردان با گروه‌ها و طبقات دیگر اجتماعی گاهی تلاقی و پیوند داشته‌اند. عیاران، شطاران، صوفیان، ملامتیان، قلندران، پهلوانان از لحاظ مفهوم و مصداق همیشه با جوان مردان وحدت ندارند، گرچه اینها از لحاظ روحی و

مرگ اگر مرد است آید پیش من
تا کشم خوش در کنارش تنگ
من از او جانی برم بی رنگ و بو
او ز من دلقی ستاند رنگ رنگ

۷. چرا باید جوان مرد بود؟

انسان به طور طبیعی حب ذات دارد و در پی تأمین منافع خویش است. چه بسیار رخ می‌دهد که آدمی برای تأمین نیاز و استیفای حقش با دیگران می‌جنگد. با توجه به این امر این پرسش پیش می‌آید که چرا باید جوان مرد بود. چرا باید از حق خود گذشت و به فراتر از تکلیف عمل کرد و دیگران را بر خود مقدم داشت؟ چرا باید ایثار کرد و از حق خود به‌خاطر افراد و اهداف دیگر صرف نظر کرد؟ البته «باید» در اینجا به معنای الزام نیست؛ چراکه کسی ملزم نیست رفتار جوان مردانه و ایثارگرانه داشته باشد. البته انسان خود می‌تواند خویش را ملزم به رفتار جوان مردانه کند؛ اما چرا چنین می‌کند؟

براساس مبانی گوناگون پاسخ‌های متفاوتی می‌توان به پرسش فوق داد. جوان مردی باید کرد چون خوب است. نفس خوبی چیزی علت تامه برای التزام به آن است. پاسخ دیگر این است که جوان مردی مقتضای عواطف انسانی است. براساس دیدگاهی، دیگران هم من هستند و بین افراد جدایی ذاتی وجود ندارد و نفس فردی توهم و غیراصیل است. با شکستن مرزهای تفرد و تکثر، خیرخواهی برای هر کسی و هر چیزی درواقع خیرخواهی برای خود است. چون خود را دوست دارم و کمال خود را می‌طلبم، دیگران را هم دوست دارم؛ چون آنها هم من هستند و من آنها هستم. پاسخ دیگر این است که ایثار و دگردوستی اجر و پاداش الهی و اخروی دارد. سخن دیگر این است که ایثار و دگردوستی مقتضای عشق به خداست. چون محبوب مطلق خداست و دیگران جلوه‌های اسمای او هستند، به آنها نیز عشق می‌ورزم. یا چون به خدا عشق می‌ورزم و خدا ایثار و خیرخواهی را دوست دارد، پس ایثار می‌کنم و در نهایت بیان دیگر این است که انسان طالب کمال خود است و ایثار و خیرخواهی و رفتار جوان مردانه انسان را به کمال برتر می‌رساند. جوهر و روح بسیاری از این پاسخ‌ها یکی است و منشأ و انگیزه اصلی جوان مردی رهیدن و فرا رفتن از ظلمت نفسانیت و سودجویی نازل خودخواهانه و دیدن نور حقیقت، خیر و زیبایی و پر کشیدن به سوی آن است.

۸. نهادهای جوان مردی

اخلاق و منش جوان مردی در دو سطح فردی و جمعی قابل طرح است. به‌عنوان منش فردی، جوان مردی خصلت‌های نیکویی است که فرد جوان مرد متخلق به آن است. در اخلاق و عرفان هنگامی که از جوان مردی و ویژگی‌های آن سخن می‌گویند، اغلب بعد فردی آن را در نظر دارند. این خُلق فردی البته به طور عمده ناظر به رفتار فرد با دیگران است. به این لحاظ جوان مردی جنبه اجتماعی دارد. اما می‌توان جوان مردی را در سطح نهادهای جامعه هم مطرح کرد و از گروه‌ها، انجمن‌ها و سازمان‌های جوان مردی سخن گفت. از آنجاکه قدرت، امکانات و میزان اثرگذاری فرد نسبت به جمع و گروه اندک است، برای تحقق آرمان‌های والای اجتماعی علاوه بر اقدامات فردی، فعالیت‌های سازمان یافته گروهی نیز ضروری است. از این رو از دیرباز جمعیت‌ها و گروه‌های جوان مردی در جوامع مختلف با اسامی و عنوان‌های گوناگون مانند جمعیت‌های خیریه اخوان و فتیان شکل گرفته است. جمعیت‌های اخوان و فتیان صورت‌های کهن سازمان‌های مردم‌نهاد امروزی هستند. البته در جمعیت‌های جوان مردی در کنار ارائه خدمات خیریه توجه به جنبه‌های اخلاقی و معنوی بسیار پررنگ است. این جمعیت‌ها نخستین و ساده‌ترین صورت از نهادهای جوان مردی به‌شمار می‌روند. افزون بر اینها می‌توان صورت‌های دیگری از نهادهای جوان مردی را با کارکردهای متنوع‌تر و گسترده مطرح کرد.

۹. جامعه جوان مردی

از همه یا اکثریت مردم نمی‌توان انتظار جوان مردی و اخلاق جوان مردانه داشت. اگر روزی اکثریت مردم به قانون و حداقل ارزش‌های الزامی اخلاقی پایبند باشند، دنیا بسیار بهتر از آن می‌شود که تاکنون بوده است. مطلوب و معقول آن است که جمع قابل توجه و اثرگذاری از مردم به سوی جوان مردی و اخلاق جوان مردانه گرایش یابند و درجاتی از جوان مردی در میان جمع بیشتری از مردم رواج یابد. اگر این آرمان تحقق یابد جهان جایی بس بهتر و مناسب‌تر برای زندگی و رشد و کمال خواهد بود. اگر مصلحان و معنویان و دغدغه‌مندان اخلاق و انسانیت به بسط و ترویج آیین جوان مردی برای تحقق این آرمان بکوشند، بی‌شک خدمت سترگی به بشریت کرده‌اند.

انتخابات به قدرت می‌رسند، کسانی هستند که به پشتوانه ثروت خود یا مافیای ثروت و قدرت و با استخدام رسانه‌ها و به‌کارگیری انواع روش‌های فریب و اغفال مردم به قدرت می‌رسند. از این جهت است که تحقق بخشیدن به آرمان ایجاد دولت جوان‌مردی آسان نیست و حرکت به سمت آن به تدبیر و آگاهی‌بخشی و فعالیت حساب‌شده و سازمان‌یافته جدی نیازمند است و البته شرایط و وضعیت کشورهای مختلف از این جهت متفاوت است.

۱۱. سازمان‌های بین‌المللی جوان‌مردی

فراتر از دولت جوان‌مردی تشکیل جریان‌های منطقه‌ای و جهانی جوان‌مردی است که می‌تواند با بسط اخلاق و معنویت جوان‌مردی بر معادلات بین‌المللی به سود حق و خیر که همان سود بشریت است، اثرگذار باشد. جریان مقاومت اسلامی که علیه استکبار، صهیونیسم و تروریسم در منطقه غرب آسیا شکل گرفته، جریانی جوان‌مردانه، عدالت‌خواه و ظلم‌ستیز است. وجه قالب جریان مقاومت موجود دفاع نظامی است که به‌جهت تهاجم و تجاوز و وحشی‌گری نظامی استکبار و صهیونیسم و تروریسم تکفیری در این زمان اولویت و ضرورت یافته است. مقاومتی که در منطقه غرب آسیا شکل گرفته، در واقع نوعی ارتش جوان‌مردی است. ارتش جوان‌مردی با تجاوز و اشغال و اشکال مختلف ستم می‌جنگد و از حق دفاع می‌کند. ارتش جوان‌مردی مدافع ستمدیدگان و بی‌کسان است و اهل ظلم و ویرانی و نامردی و نامردمی نیست. آسپیش به غیرنظامیان نمی‌رسد و با نظامیان دشمن هم جوان‌مردانه می‌جنگد و از حدود اخلاق و قانون پا فراتر نمی‌نهد. هدف ارتش جوان‌مردی از مبارزه، رفع سایه شوم ستم و اشغال و زورگویی و استقرار امنیت و عدالت است، نه استیلا بر سرزمین‌ها و اموال و نفوس و کسب قدرت نامشروع. افزون بر ارتش جوان‌مردی و همراه با آن و در کنار آن ضروری است، سازمان‌هایی برای خدمت‌رسانی در حوزه‌های مورد نیاز جوامع مانند معیشت، بهداشت، و تعلیم و تربیت به فعالیت و خدمت‌رسانی در گستره ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بپردازند.

۱۲. اصول منشور جوان‌مردی

روح رفتار جوان‌مردانه فردی و اجتماعی برخوردار از سه فضیلت است: عدالت، احسان، ایثار. گوهر جوان‌مردی عدالت‌طلبی است.

برای ایجاد جامعه جوان‌مردی دو دسته اقدام لازم است: نخست تلاش عملی برای انجام خدمات فردی و جمعی جوان‌مردانه در جامعه و دوم معرفی و ترویج آموزه‌های جوان‌مردی در میان آحاد و اقشار مختلف مردم، به‌ویژه جوانان با استفاده از رسانه‌های امروزی است. البته مؤثرترین راه برای تعلیم و ترویج جوان‌مردی عمل جوان‌مردانه است. مردم با دیدن رفتارهای جوان‌مردانه به‌سمت ارزش‌های آن جذب خواهند شد و از آن اثر خواهند پذیرفت؛ اما در کنار این امر نمی‌توان تأثیر آموزش و فعالیت رسانه‌ای را نادیده گرفت. بنابراین هم باید از دعوت تلویحی و عملی و هم از دعوت تصریحی و زبانی برای گسترش و ترویج این آیین بهره جست. در این راه هم اقدامات نیکوکارانه فردی لازم است و هم نیکوکاری سازمان‌یافته گروهی؛ مانند تشکیل گروه‌های جهاد سازندگی و خدمت‌رسانی. شکل‌گیری سازمان‌های مردمی جوان‌مردی و گروه‌های نیکوکارانه و حق‌طلبانه و در پی آن رفتن به‌سوی جامعه جوان‌مردی، گامی بلند در راه تحقق بخشیدن به آرمان‌های والای فتوت است.

فرد و جمع جوان‌مرد در پی تأمین آسایش و راحت خلق است، از این رو می‌کوشد برای مردم خوشی و شادی بیافریند و رنج و اندوه از آنها بردارد. میرسیدعلی همدانی که خود از خرقه‌داران فتوت بود، می‌گوید: «ارباب فتوت کسانی هستند که خداوند دل‌های ایشان را محیط رحمت و رأفت کرده و وجود ایشان را سبب راحت و آسایش بندگان خود ساخته» (همدانی، ۱۳۸۲، ص ۳۵۳).

۱۰. دولت جوان‌مردی

اوج فعالیت جوان‌مردانه و گسترش فرهنگ جوان‌مردی تشکیل دولت جوان‌مردی است. هنگامی که مردم در انتخاب‌هایشان قدرت و منصب را به جوان‌مردان بسپارند، می‌توان انتظار دگرگونی‌های اساسی و بنیادی در بهبود ابعاد گوناگون جامعه داشت. با امکانات، اختیارات و توانایی‌هایی که دولت‌ها در اختیار دارند به‌خوبی می‌توانند ارزش‌های جوان‌مردی را تحقق بخشند. اگر قدرت و منصب دست کسانی باشد که اهل علم و ایمان و تقوا باشند و انگیزه و آمادگی برای خدمت‌گذاری، بسط عدالت و تقلیل آلام انسان‌ها و فراهم کردن زمینه برای رشد و کمال آنها را داشته باشند، می‌توان تحقق جامعه مطلوب را انتظار داشت. اما متأسفانه اغلب حکومت‌ها یا استبدادی هستند که از راه توارث یا زور بر اریکه قدرت تکیه می‌زنند و یا اگر دموکرات هستند و با

جهل هم در بسیاری از مواقع ناشی از بی‌عدالتی و تبعیض است. بشر با رشد علمی و تجربه‌ای که در طول تاریخش به دست آورده بر بسیاری از مشکلات و عوامل رنج تاحدی فایق آمده؛ اما نتوانسته بر مهم‌ترین عامل رنج که بی‌عدالتی است غلبه کند. او هنوز نتوانسته واکسن ظلم را تولید کند و شاید هرگز نتواند. حتی با افزایش قدرت بشر ابعاد ظلم فراگیرتر شده و تهدیدی که از این ناحیه متوجه بشر است، افزایش یافته است.

از اینجاست که ارزشمندترین کار در جهان کوشش برای استقرار عدالت است و بالاترین خدمت عدل‌گستری و پیش‌گیری از ظلم و مقابله با ستم است. برای همین است که رسالت انبیاء استقرار عدل است و مهم‌ترین کاری که خاتم‌الفتیان منجی موعود در اجتماع بشر می‌کند استقرار عدل است. «يَمَلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۴۷). خداوند به وسیله او زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همچنان که از ستم و بیداد پر شده است. با استقرار عدل بزرگ‌ترین مانع سعادت انسان برداشته می‌شود و زمینه برای تحقق دیگر ارزش‌ها و شکوفایی استعدادهای بشر و رسیدن او به کمال مطلوب فراهم می‌شود.

نتیجه‌گیری

آیین جوان‌مردی پیشینه‌ای بلند در تاریخ ایران و اسلام دارد. جوان‌مردی در اصل جریانی اخلاقی و اجتماعی با گرایش انسان‌دوستانه و عدالت‌خواهانه و دفاع و حمایت از ضعیفان و ایستادگی در برابر ستمگران است. این جریان با پیوندش با اسلام صبغه دینی یافت و پیشوایان دینی را به‌عنوان پیشگامان فتوت و نمونه‌های اعلای آن معرفی کرد. با آمیزش فتوت با تصوف و عرفان اسلامی از سویی بُعد الهی و معنوی این آیین پررنگ‌تر شد، و از سوی دیگر جهت‌گیری اجتماعی و انسان‌دوستانه عرفان و تصوف تقویت گردید، چنان‌که این امر به‌ویژه در میان عارفان ایرانی مکتب خراسان برجسته است. آیین فتوت با تأکید بر معنویت و دگردوستی از سویی از اخلاق مادی بیگانه با معنویت، و نظام اجتماعی صرفاً مبتنی بر مناسبات سودجویانه مادی و دنیا مدار فاصله می‌گیرد و از سوی دیگر دینداری و زهد زندگی‌ستیز و تصوف عزلت‌گرا و جامعه‌گریز را کنار می‌نهد. این جریان در پی آن است که بین نیازهای مادی و معنوی فردی و همچنین بین کمال فردی و

پیشروان جوان‌مردی انبیاء هستند که برای برپایی قسط آمدند. علی[ؑ] که پیشوای جوان‌مردی است، نماد عدل بود. برجسته‌ترین صفت علی در بعد اجتماعی و حکومتی عدالت او بود. جوان‌مرد هیچ نوع ستمی را بر نمی‌تابد؛ چه بزرگ و در مقیاس ملی و جهانی باشد، چه کوچک و در مقیاس فردی. اصل دوم جوان‌مردی احسان است. جوان‌مرد بدون استحقاق می‌بخشد و خدمت می‌کند؛ و آنچه رکن مقوم جوان‌مردی است، ایثار است که از حق خود به سود دیگران می‌گذرد. این سه ارزش نحوه عملکرد فرد و جمع جوان‌مرد را در فعالیت‌های فردی و اجتماعی تعیین می‌کنند.

بی‌شک مهم‌ترین عنصر در میان این سه ارزش همان عدالت است. بشر بیش از هر چیزی نیازمند به عدالت است. جوان‌مرد ظلم را بر نمی‌تابد، نه ظلم بزرگ و نه ظلم کوچک را. برخی نسبت به ظلم‌های محدود و فردی که در اطرافشان می‌بینند، بسیار حساسیت دارند و واکنش نشان می‌دهند، اما در برابر ظلم‌های بزرگ در مقیاس جهانی که قربانیان بی‌شمار دارد، ساکت و بی‌تفاوت هستند. گاهی حتی به این ستم‌گران جهانی ابراز عشق و اردات می‌کنند و از آنها ستایش و با آنها همکاری می‌کنند. بی‌شک اینان در ادعای ستم‌ستیزی صادق نیستند و در زیر پوشش شعار ظلم‌ستیزی و انسان‌دوستی اهداف نفسانی و شیطانی را دنبال می‌کنند. برخی نیز به بهانه مبارزه با امپریالیسم و استکبار و استبداد ظلم‌های کوچکی که در اطرافشان می‌گذرد را نمی‌بینند و واکنشی نسبت به آن نشان نمی‌دهند و احیاناً خود مرتکب چنین ستم‌هایی می‌شوند. اینان نیز دور از جوان‌مردی‌اند و عدالت‌طلب و ظلم‌ستیز واقعی نیستند. جوان‌مرد همچون مولایش علی‌بن ابی‌طالب[ؑ] هیچ ستمی را بر نمی‌تابد و به هیچ بهانه‌ای هیچ ظلمی را توجیه نمی‌کند و بی‌اهمیت نشان نمی‌دهد. او در برابر هر ستمی برمی‌آشوبد و البته هرچه ظلم بزرگ‌تر باشد حساسیتش نسبت به آن بیشتر و مخالفتش با آن شدیدتر است.

بنابراین، نخستین تکلیف همه جوان‌مردان، اخلاقیون، مصلحان و معنویان جهان کوشش برای استقرار عدالت است. برای جوان‌مرد بودن کسی عادل بودن خود او کافی نیست؛ جوان‌مرد باید برای پیش‌گیری از ظلم و استقرار عدالت در جامعه و جهان بکوشد. ام‌المصائب بشر ظلم است. بزرگ‌ترین رنج بشر در طول تاریخ از بی‌عدالتی است. بسیاری از رنج‌های دیگر مانند فقر و محرومیت و

پیشرفت و سعادت جامعه تعادل و توازن برقرار کند. آیین فتوت اسلامی مذهب یا فرقه‌ای جدید و متمایز از اسلام و مذاهب اسلامی نیست؛ بلکه جنبشی است در درون امت اسلام برای فرادید آوردن و تأکید ورزیدن آن بخش از آموزه‌های اساسی دین که در مواردی و از سوی کسان بسیاری مغفول مانده و یا به حاشیه رانده شده است.

تأکید آیین جوان‌مردی بر فضایی همچون عدل و احسان و ایثار با پشتوانه آگاهی و ایمان و توحید می‌تواند نقشی بی‌بدیل در تربیت انسان‌های متخلق به فضایل اخلاقی و معنوی ایفا کند و زمینه را برای شکل‌گیری جامعه‌ای اخلاقی و معنوی و کمال‌گرا فراهم سازد. از آنجاکه آیین جوان‌مردی هم بعد اخلاقی و معنوی فردی دارد و هم از ظرفیتی نیرومند برای اصلاح و تعالی اجتماعی برخوردار است، بازشناسی و احیای آن می‌تواند زمینه‌ساز بازگشت انسان امروز به اخلاق و معنویت و نویدبخش استقرار عدالت و اخوت در جامعه بشری باشد.

منابع.....

- سعدی شیرازی، مصلح‌الدین، ۱۳۸۲، *گلستان سعدی*، براساس نسخه محمدعلی فروغی، تهران، سرایش.
- ، ۱۳۸۸، *بوستان*، تصحیح عزیزالله علیزاده، تهران، فردوس.
- الشیبی، کامل مصطفی، ۱۹۸۲م، *الصلاة بین التصوف والتشیع*، بیروت، دار الأندلس.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ۱۴۲۲ق، *منتخب‌الآثر*، قم، مؤلف.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۴۰۳ق، *الخصال*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- عطار نیشابوری، فریدالدین، ۱۳۲۲ق، *تذکرة الأولیا*، تحقیق رنولد نیکلسون، بریل، لیبن.
- قشیری، عبدالکریم هوازن، ۱۳۹۱، *رسالة قشیریه*، ترجمه ابوعلی حسن‌بن احمد عثمانی، تصحیحات استدراکات بدیع الزمان فروزانفر، تهران، علمی و فرهنگی.
- کاشانی، عبدالرزاق، ۱۳۸۰، *مجموعه رسائل و مصنفات*، به اهتمام مجید هادی‌زاده، تهران، میراث مکتوب.
- کاشفی سبزواری، مولانا حسین، ۱۳۵۰، *فتوت نامه سلطانی*، تحقیق محمدجعفر محبوب، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- مولوی، جلال‌الدین محمد، ۱۳۷۶، *مثنوی معنوی*، تصحیح رینولد نیکلسون، تهران، ققنوس.
- همدانی، میرسیدعلی، ۱۳۸۲، «رسالة فتوتیه»، در: محمد ریاض، *فتوت نامه*، تهران، اساطیر.